

عنوان: بررسی نقش اثر تعدیل کننده دقت پیش بینی سود بر کیفیت اطلاعات مالی در بورس اوراق بهادار تهران

خدیجه رئیسیان پروری

کارشناس ارشد حسابداری هنرآموز و سرگروه حسابداری اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ ساری

ایمیل: raeesian_80@yahoo.com

چکیده

هدف کلی از انجام این پژوهش، بررسی اثر تعدیل کننده دقت پیش بینی سود بر رابطه بین کیفیت اطلاعات مالی و ریسک سیستماتیک در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. متغیر وابسته این پژوهش: ریسک سیستماتیک، متغیر مستقل: کیفیت اطلاعات حسابداری، متغیر تعدیلگر: دقت سود متغیرهای کنترلی: نسبت نقدینگی، اندازه شرکت و اهرم مالی می‌باشند. در این پژوهش از تحلیل رگرسیون (OLS) استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۷ می‌باشد. نمونه آماری پژوهش ۱۱۲ شرکت و تعداد ۵۶۸ داده می‌باشد. این تحقیق از نوع توصیفی و از حیث هدف، تحقیقی کاربردی است و در ردیف مطالعات توصیفی-پس رویدادی قرار می‌گیرد. جهت بررسی فرضیات از روش داده‌های ترکیبی و پانل دیتا و روش‌های رگرسیونی استفاده شد. نتایج فرضیه اول نشان داد که کیفیت اطلاعات حسابداری (اقدام تعهدی) بر ریسک سیستماتیک تاثیر عکس دارد. با بررسی فرضیه دوم و نوع رابطه مثبت بین اندازه و ریسک سیستماتیک و رابطه منفی بین اهرم مالی و نسبت نقدینگی با ریسک سیستماتیک کمتر است.

کلید واژه ها: کیفیت اطلاعات حسابداری، ریسک سیستماتیک، دقت سود

۱- مقدمه

کیفیت اطلاعات حسابداری عبارت است از، دقت همراه با هر گزارش مالی که اطلاعات مربوط به جریان های و چه نقد مورد انتظار شرکت را به سرمایه گذاران منتقل میکند. کیفیت حسابداری با استفاده از اطلاعات کمی صورت های مالی، از جمله کیفیت اقدام تعهدی، اقدام خاص، تکرار زبان های عملیاتی و سود های غیر منتظره (سودهای مازاد) محاسبه میشود. به عنوان یک آزمون اضافی، کیفیت حسابداری با استفاده از شاخص خوانایی از مقاله ی لی در سال ۲۰۰۸ محاسبه شد که مقیاسی از خوانایی اطلاعات کیفی در گزارش های سالانه است. نتایج نشان می دهد شرکت هایی که گزارش های سالانه آنها به سختی خوانده میشوند، یعنی شرکتهایی با شاخص خوانایی بالا، به طور قابل توجهی تاخیر قیمت بالاتری دارند. به منظور بررسی کیفیت اطلاعات حسابداری باید بین مجموعه اطلاعاتی که سرمایه گذارها در دست داشته اند و اطلاعاتی که به تازگی از آن مطلع شده اند، تمایز قائل شد. سرمایه گذارها از مجموعه اطلاعات موجود خود به منظور پیش بینی جریان وجه نقد استفاده می کنند و به یک برآورد قیمت می رسند. هنگامیکه اطلاعات ارزشی جدیدی بدست می آید، آنها پیش بینی خود از جریان وجه نقد را به منظور تعیین قیمت جدید، به روز می کنند. در نتیجه فرض می شود که وقتی اطلاعات حسابداری بخشی از مجموعه اطلاعاتی است که سرمایه گذارها برای پیش بینی جریانهای نقدی استفاده می کنند، کیفیت حسابداری ضعیف احتمالاً با کیفیت پایین تر مجموعه اطلاعات موجود و بنابراین با کیفیت پایین تر پیش بینی های جریان وجه نقد مرتبط است. وقتی اطلاعات ارزشی تازه ای خواه سیستماتیک یا خاص شرکت بدست می آید، پیش بینی جریانهای نقدی که در نتیجه ی کیفیت پایین مجموعه اطلاعات حسابداری صورت گرفته، بیشتر از پیش بینی جریانهای نقدی ناشی از کیفیت بالای مجموعه اطلاعات حسابداری، منجر به برآورد قیمت نامطمئن می شود. وقتی یک بی اطمینانی در برآورد قیمت وجود دارد، سرمایه گذارها احتمالاً بر مبنای درک بهبود یافته ی خود و همچنین اطلاع از تشخیص سایر سرمایه گذارها، به صورت تمام وقت درصد اصلاح تشخیص قیمت اولیه ی خود برمی آیند، تا اینکه قیمت ها به ارزشهای بنیادی همگرا شود. این همان فرآیند ی است که تحت عنوان تعدیل به تاخیر افتاده ی قیمت از آن یاد می شود. نقص اطلاعات به طور بالقوه مانعی بر سر راه کشف به موقع قیمت ها بوده و قیمت سهام به تاخیر افتاده به نوعی محصول اطلاعات ناقص است. یک سهام به تاخیر افتاده به طور بالقوه برای یک خریدار پرمخاطره است، به این دلیل که ممکن است با اطلاعات عمومی که تا آن زمان به طور کامل پردازش شده و تاثیر خود را بر قیمت گذاشته، مغایر باشد، و از اینرو احتمالاً این خریدار برای جبران انتخاب ناسازگاری که انجام داده، به یک صرف بازده نیاز دارد از آنجائیکه هم